

ایضاح - در لاجول و لا قوه الا بالله پنج وجه جایز است فتح هر دو مانند لاجول (بفتح لام) و لا قوه (بفتح تاء) و رفع آندو مانند لاجول (برفع لام) و لا قوه (برفع تاء) و فتح اول و نصب ثانی مانند لاجول (بفتح لام) و لا قوه (بفتح تاء) و فتح اول و رفع ثانی مانند لاجول (بفتح لام) و لا قوه (برفع تاء) و فتح اول و فتح ثانی مانند لاجول (برفع لام) و لا قوه (بفتح تاء) و در صورت بودن قرینه گاهی اسم لا حذف میشود مانند لا علیک یعنی لا بأس علیک .

قسم دوازدهم - خبر ما و لا که شباهت بلیس دارند مانند ما زید قائماً و لا رجل حاضر و اگر خبر بعد از الا واقع شود مانند ما زید الا قائم یا خبر مقدم شود مانند ما قائم زید یا آنکه ان (بکسر همزه و سکون نون) بعد ما زیاد شود مانند ما ان زید قائم عمل ما و لا باطل میشود .

مجرورات - مجرورات بر دو قسمند - مجرور باضافه و مجرور بحرف .

اضافه بر دو قسم است - اضافه معنویه که بمعنی لام یا بمعنی من (بکسر میم) است مانند غلام زید (بجر دال) که در اصل غلام از زید بوده است و خاتم فضه (بضم میم) و فضة (بجر تاء) که در اصل خاتم من فضة بوده .

و اضافه لفظیه و آن یا اضافه اسم فاعل است بسوی معمولش مانند ضارب (بضم باء) زید (بجر دال) یا اضافه صفت مشبیه است بسوی فاعلش مانند حسن (بفتح حاء و سین و ضم نون) الوجه (بکسر هاء) و در اضافه معنویه کلمه حرف تعریف از مضاف می افتد و گفته نمیشود الغلام زید - و در اضافه لفظیه اگر مضاف تشبیه یا جمع باشد نون ساقط میشود مانند ضارب زید ضارباً زید در اضافه معنویه هر اسمی اضافه بمعرفه شود او نیز معرفه میشود مانند غلام زید (بجر دال) مکر کلمه (غیر) (مثل و شبه) که اگر بمعرفه هم اضافه شوند معرفه نمیشوند مانند مررت برجل غیرک و مثلك و شهبك . گاهی مضاف حذف میشود و مضاف الیه بجای آن می نشیند مانند قوله تعالی و اسئل القریه که در اصل و اسئل اهل القریه بوده و اهل حذف شده و قریه جای آرا گرفته است .

توابع - تا کنون آنچه ذکر شد اعرابشان بالا صاله بود و گاهی اعراب به تبعیت

است یعنی کلمه متابعت می کند اعراب ما قباش را و بهمین جهت تابع ناهیده . تابع هر دومی است که معرب باشد با اعراب کلمه پیش از خودش از جهت واحد .

توابع پنج قسم است - قسم اول تابع متابعت میکند معنی متبوعش را مانند جائنی رجل عالم یا تابع متعلق متبوعش مانند جائنی رجل عالم ابوه و این قسم را صفت میگویند .

قسم اول تابع متابعت میکند متبوعش را در چهار چیز از ده چیز یعنی اعراب سه گانه (رفع - نصب - جر) و تعریف و تنکیر و افراد و تشبیه و جمع و تذکیر و تأیث مانند جائنی رجل عالم و امرأة عالمة و رجلا ن العالمان و امرأتان العالمتان و رجال علماء و نساء و عالمات و زید (رفع نال) العالم و زیدان العالمان و زیدون العالمون و جائنتی امرأة عالمة و رایت رجلا عالماً (و همینطور بقیها)

قسم دوم - فقط متابعت میکند متبوعش را در پنج تایی اولی یعنی اعراب - تعریف تنکیر مانند قوله تعالی من هذه القرية الظالم اهلها و فائده صفت یکی تخصیص موصوف است اگر هر دو نکره باشند مانند جائنی رجل عالم و یکی توضیح موصوف است اگر هر دو معرفه باشند مانند جائنی زید (بر رفع دال) الفاضل و گاهی برای ثناء و مدح است مانند بسم الله الرحمن الرحیم و گاهی برای ذم است مانند اعوذ بالله من الشيطان الرجیم و گاهی برای تأکید است مانند قوله تعالی نفخة واحدة

تبصره - نکره موصوف میشود بجملة خبریه مانند مررت بر رجل ابوه قائم یا قام ابوه .

ضمیر نه صفت واقع میشود و نه موصوف .

قسم دوم - عطف بحروف و شرطش اینست که بین تابع و متبوع یکی از حروف عطف واسطه باشد مانند قام زید و عمرو و هرگاه اسمی را بضمیر مرفوع متصل عطف کنیم آن اسم تأکید میشود بسبب ضمیر منفصل مانند ضربت (بضم تاء) انا و زید و اگر چیزی میان آن فاصله شده باشد آوردن ضمیر منفصل دیگر لازم نیست مانند ضربت الیوم و زید و هرگاه عطف بشود بر ضمیر مجرور متصل در معطوف حرف جر اعاده میشود مانند مررت بك و بزید .